

پیرامون صندوق‌های قرض الحسنه

اشکان نعیمی

قرض الحسنه از نیکوترین سنت‌های اسلامی است که در قرآن کریم مکرر از آن یاد شده است که آیا کسی هست که به خدا قرض نیکو دهد، همچنین در روایات منقول از معصومین (ع) بسیار به این امر سفارش شده، و تاکید شده که قرض دادن از صدقه دادن افضل است، به جهت آن که صدقه در دست افراد محتاج و غیر محتاج قرار می‌گیرد، حال آن که قرض غالباً در دست افراد محتاج قرار می‌گیرد، و نیز صدقه دیگر باز نمی‌گردد حال آن که مال قرض بازمی‌گردد و می‌توان آن را دوباره به افراد نیازمند قرض داد. (الروضه البهیة، شهید ثانی، ج ۴، ص ۱۱)

از طرفی دیگر به جهت ممنوعیت ربا در شریعت اسلامی، قرض الحسنه به طور مضاعف مورد توجه واقع می‌شود. لذا بحث پیرامون آن ضروری می‌نماید. همچنین شیوه استفاده بانک یا صندوق از این وجوه و از نگاه شرع از اهمیت برخوردار است.

در مورد بحث ما باید گفت سپرده‌گذاران، سپرده خود را به عنوان قرض به بانک یا صندوق قرض الحسنه می‌دهند، به تعبیر حقوقی سپرده را به بانک یا صندوق تملیک می‌کنند، یعنی پس از سپرده‌گذاری، صندوق مالک آن سپرده است و البته ضامن است که عوض (مثل) آن را در تاریخ مقرر به صاحب حساب بازگرداند، و چون مالک است می‌تواند سپرده را در هر راهی که بخواهد صرف نماید و این، هیچ منافاتی با ضامن بودنش نسبت به ادای عوض سپرده به مالک آن ندارد. لذا ماده ۶۴۹ قانون مدنی می‌گوید: «اگر مال موضوع قرض، بعد از تسلیم، تلف یا ناقص شود از مال مقترض است.» و این حکم با مبنایی که بیان کردیم صحیح می‌باشد، به جهت آن که به محض ایجاد عقد (البته طبق حکم قانون مدنی که قبض مال مورد قرض را شرط لازم برای صحت عقد ندانسته است، اگرچه در فقه، اکثریت فقها قبض را شرط صحت قرض می‌دانند) مقترض، مالک مال مورد قرض است و اگر تلف شود از جیب او رفته است. بنابراین، طبق این مبنا، در ابتدا به نظر می‌آید که فعالیت‌های تجاری صندوق خلاف شرع نباشد، در همین رابطه استفتایی از آیت‌الله صائنی را نقل می‌کنیم، از ایشان سوال شده است:

س- آیا صندوق قرض الحسنه که اکثر سرمایه آن از پول‌های مردم است، می‌تواند تحت شرایط عقود اسلامی مانند مضاربه یا فروش نقد و اقساط و... با افراد و اشخاص متقاضی، وارد عقد قراردادهای شرعی شود و سود حاصل از

این قراردادها را در پایان هر سال به دارندگان حساب‌های پس‌انداز در صندوق واریز نماید و یا به عنوان جایزه و با قرعه‌کشی به پس‌انداز کنندگان پرداخت نماید؟ آیا رضایت یا عدم رضایت صاحبان پس‌انداز قرض الحسنه برای این گونه عقود اسلامی شرط است؟

ج- مانعی ندارد؛ چون صندوق، مالک سپرده‌های افراد است، لذا سودش هم در اختیار خود صندوق است که مالک سپرده‌ها شده و سپرده‌گذاران، تنها حق استرداد سپرده خود را دارند نه سود آن؛ اما تصرف صندوق نمی‌تواند عذر در تاخیر ادا باشد... (سایت دفتر ایشان، استفتائات)

اما این حکم، اگرچه در بدو امر صحیح به نظر می‌رسد، اما با کمی دقت می‌توان گفت که این حکم به طور مطلق صحیح است، اما در مواردی که شروطی در ضمن عقد وجود داشته باشد، حکم قضیه متفاوت خواهد بود، در محث مکاسب در فقه، بابی تحت عنوان شروط وجود دارد که در آن مفصلاً راجع به شروط ضمن عقد بحث می‌شود، این شروط یا به طور صریح در عقد ذکر می‌شوند و یا بعد بر مبنای آنها ایجاد می‌شود، که در فرضی که به صراحت در عقد ذکر شوند به نظر همه فقها لازم الوفا هستند ولی اگر در متن عقد ذکر نشوند یا به این صورت است که به جهت وجود عرف خاصی که در آن جا وجود دارد، در عقد ذکر نمی‌شود ولی تا زمانی که طرفین عقد، تصمیمی بر خلاف آن نگرفته باشند، گویا در عقد ذکر شده است، که به این حالت شرط ضمنی گویند که به نظر عده‌ای از فقها و قانون مدنی لازم الوفاست، و یا به این حالت است که دو طرف عقد با هم پیش از عقد، توافقی کرده‌اند، اما در عقد آن را ذکر نمی‌کنند، که در این فرض به آن شرط تبانی گویند و به نظر اکثریت فقها، واجب الوفا نیست. (المکاسب، شیخ انصاری، ۲۸۲ و القواعد الفقهیه، میرزا حسن بجنوردی، ج ۳، ص ۲۷۵)، گرچه قانون مدنی، این قسم را نیز معتبر و لازم الوفا می‌داند. (ماده ۱۱۲۸)

در بحث ما، با توجه به تصریح قانون مربوط به فعالیت صندوق‌های قرض الحسنه، مبنی بر اینکه این صندوق‌ها فقط باید به کار دریافت و پرداخت قرض الحسنه بپردازند، باید گفت که از میان سه قسم شروط نامبرده، شرط صریح، شرط ضمنی و شرط تبانی، در اینجا شرط ضمنی، مصداق دارد، یعنی در عرف این صندوق‌ها، حساب سپرده برای قرض الحسنه دادن، باز می‌شود، اگر چه چیزی در خود

قرارداد افتتاح حساب ذکر نگردد (شرط صریح)، و یا میان سپرده‌گذار و صندوق پیش از عقد، توافقی در این زمینه نباشد (شرط تبانی)، پس با این پیش فرض، و با تصریح ماده ۲۲۵، قانون مدنی: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم، منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است.» و نظر به اینکه عقد قرض، عقدی لازم است (مسالك الافهام، شهید ثانی، ج ۳، ص ۴۳۹) و شروط مندرج در آن هم بالتبع، لازم الوفاست، می‌توان گفت که صندوق قرض الحسنه نمی‌تواند بر خلاف مفاد این قرارداد منعقد میان خود و سپرده‌گذاران عمل کند، و سپرده‌ها را در فعالیت‌های تجاری و تبلیغات، صرف نماید، لذاست که در انتهای استفتایی که ذکر شد آمده است: «... آری، اگر با سپرده‌گذاران شرطی شده باشد، آن شرط مثل بقیه شروط لازم الوفاست (سایت دفتر ایشان، استفتائات).

اما مطلب آخر اینکه، همان‌طور که دیدیم، اگر ماهیت قرارداد حساب سپرده را و کالت بدانیم، مطالب از نظر حقوقی ساده‌تر حل می‌شود و در فرضی که ماهیت عقد را قرض بدانیم، باید مسایلی بیشتری از نظر حقوقی بررسی گردد، حال می‌خواهیم ببینیم که پذیرش کدام یک از این فرض، صحیح است؟

به نظر می‌رسد، با توجه به ظاهر ماده ۱ قانون مربوط به صندوق‌های قرض الحسنه، که کار صندوق را صرفاً دریافت و پرداخت قرض الحسنه می‌داند، باید گفت که ماهیت این حساب‌ها با قرض الحسنه سازگارتر خواهد بود، زیرا اگر ماهیت این حساب‌های سپرده، قرض الحسنه نباشد، مورد دیگری در منابع مالی این صندوق‌ها نیست که از طریق قرض الحسنه تامین شود، در نتیجه این عبارت قانون‌گذار که کار صندوق‌ها را دریافت قرض الحسنه می‌داند، لغو و بیهوده خواهد بود، حال آن که مفروض ما در تفسیر قوانین این است که قانون‌گذار حکیم است و کار عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد. البته همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، به نظر نگارنده، اینکه ماهیت این قراردادهای سپرده‌ی حساب، و کالت باشد، هم از نظر فقهی و حقوقی بی‌اشکال‌تر است و هم منافاتی با قصد و نیت خیر مردم برای دادن قرض الحسنه به همون‌عاشان ندارد، زیرا در واقع آن کس که قرض الحسنه می‌دهد، صاحب حساب است اگر چه این کار را توسط وکیل و نماینده اش (صندوق قرض الحسنه) انجام می‌دهد.